

آمریکا در یک قدمی پذیرش شروط دریایی ایران قرار دارد؟

فرمول جدید برای بازگشایی هرمز

ایران و عمان به توافقی موقت برای مدیریت تنگه هرمز نزدیک شده‌اند؛ توافقی که می‌تواند مسیر پایان تنش‌ها و تضمین آزادی کشتیرانی را هموار کند. با استناد به تجربه کانال سوئز، تنگه‌های ترکیه و دریای چین جنوبی می‌توان استدلال کرد اولویت واشنگتن باید حفظ آزادی ناوبری باشد، نه انکار نقش ایران.

به نظر می‌رسد عمان و ایران به دستیابی به یک توافق موقت برای بازگشایی تنگه هرمز نزدیک شده‌اند.

شرح درصفحه ۶

۱۵۵ هزار خودرو در چهار ماه فروخته شد

افت ۳۴ درصدی

فروش

خودروسازان

صفحه ۶

از گلرزان تیم ملی در جام جهانی تا ستاره‌های سابق استقلال و پرسپولیس

بازیکنان

بلا تکلیف

فوتبال ایران

صفحه ۵

اتفاق عجیب

در بازار مرغ

پشت‌پرده

جهش قیمت مرغ

چیست؟

صفحه ۶

رئیس دولت چهاردهم در دومین نشست خبری چه گفت؟

با خبرنگاران در روز خبرنگار

صفحه ۲



◆ روایت پزشکيان از جلسه با رهبر شهيد درباره استيضاح وزرا

◆ تصميم گرفتيم اينترنت باز شود و برای حل مشکلات تلاش می‌کنيم

◆ عده‌ای در داخل نمی‌خواهند تحریم‌ها برداشته شود

◆ گفت‌وگوها آمریکا را مجبور به همراهی کرد

بررسی زمینه ها و ابعاد پیمان دفاعی مکه

پیمان مکه ومعادله ایران؛ بازی تازه آغاز شده است!

جمعی را در میان سه کشور تعریف می‌کند؛ عراقچی در مقابل، از امنیت جمعی فراگیرتر و درون‌منطقه‌ای سخن می‌گوید.

بنابراین می‌توان پیام تهران را دارای سه لایه دانست: نخست، بازدارندگی و اطمینان از قدرت ملی؛ دوم، استقبال از همکاری و همکاری میان کشورهای مسلمان؛ و سوم، پیشنهاد یک الگوی امنیتی مبتنی بر خوداتکایی منطقه‌ای و کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی.

از این منظر، واکنش ایران نه انفعالی است و نه تقابلی. تهران نه پیمان مکه را به‌عنوان تهدیدی فوری معرفی کرده و نه در برابر آن وارد جنگ لفظی شده است. در عوض، تلاش کرده زمین بازی را تغییر دهد: از «ایران در برابر یک ائتلاف جدید» به «رقابت بر سر اینکه امنیت منطقه چگونه باید ساخته شود».

این رویکرد، از منظر دیپلماسی، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا اگر ایران پیمان مکه را صرفاً یک ائتلاف ضدایرانی معرفی کند، خود را در موقعیت دفاعی قرار خواهد داد. اما اگر بگوید همکاری میان کشورهای مسلمان ذاتاً مطلوب است و اختلاف تنها بر سر میزان اتکا به قدرت‌های خارجی و چگونگی تعریف امنیت منطقه‌ای است، می‌تواند خود را بخشی از راه‌حل آینده معرفی کند. در واقع، شاید پرسش اصلی این نباشد که «پیمان مکه علیه چه کشور است؟» بلکه این باشد که چه کسی قرار است معماری امنیتی آینده غرب آسیا را طراحی کند؟ اگر امنیت آینده منطقه بر ائتلاف‌های محدود و پیوندآمیزی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای بنا شود، پیمان مکه می‌تواند نخستین نشانه یک روند جدید باشد. اما اگر کشورهای منطقه به سمت سازوکارهای فراگیرتر، گفت‌وگوی امنیتی و اتکا به ظرفیت‌های داخلی حرکت کنند، پیمان مکه می‌تواند تنها یکی از مراحل گذار به یک معماری پیچیده‌تر باشد.

ایران در این معادله، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، عمق راهبردی، ظرفیت‌های نظامی بومی و تجربه آزموده‌شده در میدان، بازیگری نیست که بتوان معماری امنیتی منطقه را بدون در نظر گرفتن آن طراحی کرد. بنابراین پاسخ تهران نیز می‌تواند این باشد که ایران نه در برابر امنیت همسایگان قرار دارد و نه حاضر است خود را موضوع امنیت دیگران تعریف کند؛ بلکه خود را یکی از پایه‌های امنیت آینده منطقه می‌داند.

از همین منظر، پیام عراقچی را می‌توان خلاصه راهبردی موضع تهران دانست: قدرت برای بازدارندگی، همکاری برای امنیت و خوداتکایی برای استقلال.

پیمان مکه ممکن است آغاز یک ائتلاف جدید باشد؛ اما هنوز زود است که آن را یک بلوک ضدایرانی یا یک ناتوی اسلامی بنامیم. آنچه با اطمینان بیشتری می‌توان گفت این است که غرب آسیا وارد مرحله‌ای شده که در آن، رقابت اصلی فقط بر سر قدرت نظامی نیست؛ بلکه بر سر تعریف، مالکیت و طراحی معماری امنیتی آینده منطقه است.

و در این رقابت، مکه، تهران، آنکارا و اسلام‌آباد تنها نقاط روی نقشه نیستند؛ آنها بخشی از یک معادله بزرگ‌ترند که پاسخ آن، درنوشته نظم امنیتی آینده غرب آسیا را تعیین خواهد کرد.



نظامی جهان به اثبات رسانده‌اند.»

این جمله صرفاً یک تمجید از توان دفاعی ایران نیست؛ بلکه یک گزاره بازدارنده است. معنای آن این است که قدرت نظامی بومی ایران در حد ادعا یا ظرفیت بالقوه باقی نمانده، بلکه در یک رویارویی واقعی مورد آزمون قرار گرفته است. بنابراین اگر بخشی از محاسبات پیرامون پیمان مکه، افزایش قدرت نمایی در برابر ایران باشد، تهران می‌خواهد روشن کند که معادله قدرت را نمی‌توان صرفاً با تعداد پیمان‌ها و تعداد شرکا محاسبه کرد.

در اینجا یک پیام دوم نیز که اهمیت بیشتری دارد، نهفته است: ایران امنیت خود را از بیرون وارد نمی‌کند. قدرت دفاعی ایران بر ظرفیت‌های بومی و تجربه عملیاتی استوار شده و به همین دلیل، ایجاد ترتیبات امنیتی جدید نیازمند ایران الزاماً به معنای تغییر موازنه راهبردی نیست.

عراقچی در همین نقطه متوقف نمی‌شود. اگر پیام او صرفاً بازدارنده بود، می‌توانست به همین گزاره دربارۀ توان نظامی ایران پایان دهد. بخش دوم پیام، دقیقاً نشان می‌دهد که تهران در حال ارائه یک پیشنهاد سیاسی متفاوت است.

عراقچی می‌گوید: «هنگامی که مسلمانان در کنار یکدیگر متحد و یکپارچه باشند، می‌توانند در برابر هر چالشی که از سوی بیگانگان بدخواه ایجاد می‌شود، با قدرت و قاطعیت ایستادگی کنند.»

و سپس جمله کلیدی را بیان می‌کند:

«زمان آن فرا رسیده است که تنها به خود متکی باشیم و برادری واقعی را در پیش گیریم.»

این بخش از پیام را باید جدی‌تر از یک دعوت عمومی به وحدت اسلامی بود. عراقچی در واقع، اصل همکاری دفاعی کشورهای مسلمان را نفی نمی‌کند؛ بلکه در حال رقابت بر سر مدل مطلوب این همکاری است.

به بیان دیگر، تهران نمی‌گوید چرا عربستان یا پاکستان و ترکیه همکاری می‌کنند؛ بلکه می‌گوید اگر قرار است کشورهای مسلمان برای امنیت خود متحد شوند، این اتحاد باید بر «اتکا به خود»، «همسایگی» و «برادری واقعی» استوار باشد، نه وابستگی به قدرت‌های بیرونی.

این همان نقطه‌ای است که پیام عراقچی را به یک پیام راهبردی تبدیل می‌کند. پیمان مکه یک مدل از امنیت

پیمان دفاعی عربستان، پاکستان و ترکیه در مکه را نمی‌توان صرفاً ائتلافی علیه ایران دانست. این توافق در دل محیط امنیتی جدید غرب آسیا، تجربه جنگ یمن و تلاش ریاض برای تنوع‌بخشی به شرکای امنیتی شکل گرفته؛ اما پیام عراقچی، روایت دیگری از معماری امنیتی منطقه ارائه می‌کند.

نورنیوز-گروه بین الملل:تحولات امنیتی غرب آسیا در حال ورود به مرحله‌ای متفاوت است. پس از سال‌ها جنگ، رقابت، مداخلات خارجی و تجربه‌های پرهزینه امنیتی، کشورهای منطقه بیش از گذشته با یک پرسش مشترک مواجه‌اند: امنیت آینده منطقه را چگونه و با اتکا بر چه سازوکاری باید تأمین کرد؟

در چنین فضایی، توافق دفاعی میان عربستان سعودی، پاکستان و ترکیه در مکه را نمی‌توان صرفاً یک توافق نظامی سه‌جانبه دانست. اهمیت این توافق، بیش از مفاد اعلام‌شده آن، در نشانه‌ای است که از تلاش برخی کشورهای منطقه برای بازتعریف مناسبات امنیتی خود ارسال می‌کند.

بر اساس مفاد اعلام‌شده، حمله مسلحانه علیه یکی از سه کشور، حمله علیه هر سه تلقی خواهد شد و اعضا بر توسعه همکاری‌های دفاعی و تقویت بازدارندگی مشترک تأکید کرده‌اند. با این حال، هنوز جزئیات تعهدات عملیاتی این توافق روشن نیست و نمی‌توان آن را به معنای شکل‌گیری یک «ناتوی جدید» در منطقه دانست. آنچه فعلاً شکل گرفته، بیش از آنکه یک ساختار نظامی کاملاً عملیاتی باشد، یک چارچوب سیاسی-امنیتی برای افزایش بازدارندگی و تنوع‌بخشی به شرکای امنیتی است. ترکیب اعضای این توافق نیز از همین منظر قابل توجه است. پاکستان ظرفیت نظامی و هسته‌ای قابل توجهی دارد؛ ترکیه از ارتشی قدرتمند، تجربه عملیاتی و صنایع دفاعی رو به توسعه برخوردار است و عربستان نیز قدرت مالی، انرژی و موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه‌ای دارد. اتصال این سه ظرفیت می‌تواند برای ریاض و دو شریک دیگر، وزن بیشتری در محاسبات امنیتی منطقه ایجاد کند.

در نخستین واکنش‌ها به توافق مکه، برخی تحلیلگران و رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، آن را تلاشی از سوی عربستان برای تقویت بازدارندگی در برابر ایران و ایجاد توازن جدید در برابر قدرت منطقه‌ای تهران بویژه پس از ناکامی آمریکا در جنگ اخیر با ایران و اثبات قدرت نظامی بومی ایران در به رانو درآوردن بزرگ‌ترین ارتش دنیا ارزیابی کرده‌اند. در این خوانش، حضور پاکستان به‌عنوان یک قدرت جدید در برابر آنچه تهدیدات بالقوه ناشی از بازریگان مهم نظامی و دفاعی منطقه، می‌تواند به ریاض امکان دهد در برابر آنچه تهدیدات بالقوه ناشی از قدرت ایران تلقی می‌شود، ظرفیت بازدارندگی خود را افزایش دهد.

با این حال، تقلیل توافق مکه به یک ترتیبات ضدایرانی، نمی‌تواند تمام ابعاد این تحول را توضیح دهد؛ چراکه محاسبات امنیتی عربستان طی سال‌های اخیر تحت تأثیر مجموعه‌ای از تهدیدها، تجربه‌های امنیتی و نگرانی‌های انباشته شکل گرفته است. از همین رو، برای فهم چرایی شکل‌گیری این توافق، باید محیط امنیتی عربستان را در مجموعه‌ای از این عوامل دید، نه صرفاً در نسبت با ایران. عربستان از یک سو تجربه جنگ یمن و حملات موشکی

خبر

عباس عراقچی:

مسیر جدید تنگه هرمز در مذاکرات نیروهای نظامی و دریایی ایران و عمان تعیین شده‌است



وزیر امور خارجه با تأکید بر نزدیک شدن ایران و عمان به یک توافق برای تعیین مسیر موقت تردد در تنگه هرمز گفت: «میان نیروهای نظامی و دریایی دو کشور بر اساس نقشه‌های موجود مذاکراتی انجام شده است که با جمع‌بندی این مذاکرات، مسیر جدید مشخص خواهد شد.»

به گزارش سیاست خارجی ایرنا، «سید عباس عراقچی»، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران روز شنبه ۱۷ مرداد در حاشیه نشست خبری رئیس‌جمهور در جمع خبرنگاران گفت: «مذاکرات با عمان در خصوص ساز و کار حقوقی و مدیریت تنگه هرمز در خصوص تعیین مسیر تردد تنگه هرمز در حال انجام است و خیلی به توافق نزدیک هستیم، اما باز شدن تنگه هرمز تابع شرایط دیگری از جمله جریان موارد نقض تفاهم نامه اسلام آباد از سوی امریکا است.» وی توضیح داد: «در گذشته TSS با مسیری وجود داشت که دیگر از نظر جمهوری اسلامی این مسیر برای تردد کشتی‌ها قابل قبول نیست و لازم است یک TSS جدیدی در نظر گرفته شود که البته دارای پیچیدگی‌های گسترده فنی و حقوقی است.»

عراقچی تأکید کرد: «با توجه به پیچیدگی های فنی و حقوقی فعلا درباره یک مسیر موقت صحبت می‌کنیم، قبل از دستیابی به مسیر جدید مسیری موقت به عنوان که پایه مسیر اصلی خواهد بود در نظر گرفته خواهد شد، در این خصوص میان نیروهای نظامی و دریایی دو کشور بر اساس نقشه‌های موجود مذاکراتی انجام شده است که با جمع‌بندی این مذاکرات، مسیر جدید مشخص خواهد شد.»

وزیر امور خارجه تصریح کرد: «موارد نقض تفاهم‌نامه پاکستان باید یک به یک پیگیری شود و این امریکا بود که تفاهم‌نامه را نقض کرد. بند پنج تفاهم‌نامه توسط جمهوری اسلامی ایران در حال انجام بود و قرار بود ظرف یک ماه شرایط تردد به حالت عادی بازگردد که اتفاقاً در طول دو هفته میزان تردها به ۶۰ درصد شرایط عادی رسید، اما آمریکایی‌ها به دنبال ایجاد مسیریهای جدیدی در تنگه هرمز بودند و علی‌رغم تذکراهی که کشورمان داد ،آنان به دنبال خدشه‌دار کردن مدیریت ایران و تنگه هرمز برآمدند لذا نقض یادداشت تفاهم و مدیریت ایران بر تنگه هرمز از سوی جمهوری اسلامی ایران به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست.»

سهم ایران از دریای خزر اصلا در کنوانسیون وضعیت حقوقی خزر مطرح نیست

عراقچی در خصوص ارسال لایحه یک فوریتی کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر به مجلس توضیح داد: «کنوانسیون دریای خزر در سال‌های ۹۷ و ۹۸ از سوی دولت وقت برای تصمیم گیری به مجلس ارجاع شده است. این در حالیکست که چهار کشور دیگر ساحلی دریای خزر کنوانسیون را پذیرفته‌اند و پذیرش جمهوری اسلامی ایران، منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی است.» وزیر امور خارجه گفت: «سهم ایران در کنوانسیون اصلا مطرح نیست و این به دلیل اختلافاتی که در خصوص خط مبدأ و تقسیم بستر و روی بستر وجود دارد می‌باشد، لذا موضوع سهم ایران کلاً از کنوانسیون کنار گذاشته شد و به مذاکرات دو و سه جانبه موکول شده است.»

وی تأکید کرد: «همه ما مدغذغه منافع کشور را داریم، اما سواستفادکنندگان در خارج از کشور به دنبال منافع دیگران هستند.»

عراقچی در پایان گفت: «کشورهایی مانند روسیه به دنبال اجرای سریع کنوانسیون هستند و از ویژگی‌های این کنوانسیون این است که هیچ نیروی نظامی خارجی در دریای خزر وجود نخواهد داشت.»